

ریسک در معاملات

معامله کردن راحت است یا دشوار؟ از دید ناظر بیرونی ، این کار راحت به نظر می رسد . کافی است شما یک سهم را در نظر بگیرید . حدس بزنید که قیمت آن صعود خواهد کرد و یا نزول ، وارد معامله شده و صبر کنید تا نتیجه را ببینید .

نکته ی کار در کجاست ؟ اگر به همین سادگی بود ، هرکسی می توانست با انجام آن میلیونر شود ! متأسفانه به این راحتی هم نیست ، مخصوصاً در بازارهای بدون روند و یا دارای محدوده ی نوسان زیاد . در یک بازار صعودی قوی ، معامله گران تازه کار با افتتاح یک حساب شروع به کار کرده و شاهد افزایش حساب گونه ی دارایی خود می شوند اما چه بسا در کمتر از یک ماه جملاتی مانند "روزهای خوب قدیم" را از آنها می شنویم !

حتی هنگامی که همه شرایط نیز موافق بوده و قیمت ها در حال افزایش می باشند نیز معامله کردن کار راحتی نیست .

باید روی آن معاملات کار کنید و نهایتاً کسب سود از مجموع معاملات کار دشواری است . معاملات موفق جزئی منابع مالی ، جزئی استراتژی کار و قسمتی نیز روانشناسی دارند . فرض کنید شما یک استراتژی ساده برای معامله نیاز دارید .

سهم هایی را می یابید که در اثر اخبار ضعیف اقتصادی بطور موقت دچار نزول قیمت شده اند اما در کل شواهد موجود حکایت از افزایش قیمت آنها دارند . می خواهید سیستم معاملاتی خود را بر اساس اصل "پشیمانی فروشندگان" بنا کنید .

اینگونه است که شما پیش بینی می کنید فروشندگان در اثر ترس از اخبار ضعیف اقتصادی که برای این سهم ارائه شده اقدام به فروش نموده اند و زمانی که دریابند سهام مورد نظر هنوز خریداران خوبی دارد مجدداً اقدام به خرید خواهند کرد .

اما یک استراتژی خوب ملزومات دیگری نیز دارد . شما باید تصمیم بگیرید که چه میزان از سرمایه خود را با این استراتژی به معامله اختصاص دهید .

در هر معامله می توانید 2-3% از سرمایه خود را ریسک کنید اما تمام موارد مطابق با نقشه ی شما پیش نخواهد رفت . معامله دارای یک قسمت ریاضیات نیز می باشد . برخی از معاملات شما به سود خواهد نشست و برخی نیز با ضرر همراه خواهد بود .

باید تصمیم بگیرید که چند معامله می خواهید انجام داده و در هر معامله چه میزان ریسک کنید . تنها تعداد معاملات نیست که باید مد نظر قرار گیرد ، شما باید به محدوده ای که قیمت تمایل به نوسان در آن دارد نیز توجه کنید .

حال فرض کنید با 2% ریسک در هر معامله و در مجموع با 10 پوزیشن قصد کار با استراتژی "پشیمانی فروشندگان" را دارید . این کار 20% ریسک بوده و شما باید از نظر روانی تحمل آنرا داشته باشید .

اگر 20% از دارایی خود را از دست بدهید ، جبران آن دشوار خواهد بود . بسته به حد تحمل روانی شما 20% ریسک ممکن است زیاد باشد .

اگر منابع مالی محدودی در اختیار دارید ، تحمل 20% ریسک کار دشواری خواهد بود . چنانچه تحلیل و استراتژی شما منجر به سود نگردد ممکن است احساس درماندگی کنید .

از نقطه نظر روانشناسی ، ریسک کردن می تواند باعث برانگیخته شدن حس اضطراب و نگرانی در فرد گردد . یک تحلیل و یا تصمیم آنی می تواند باعث شود تا پوزیشن هایی را باز کرده و به نظاره بنشینید .

زمانی که با نگرانی در انتظار خروج از یک پوزیشن هستید ، به سختی می توانید فکر کرده و تصمیم درست بگیرید . حال آنکه احساسات نیز بر شما غلبه کرده باشد .

اگر نتوانید این ریسک را تحمل کنید چه اتفاقی خواهد افتاد؟! راه حل ساده و آشکار برای این موضوع ، کم کردن میزان ریسک است . می توانید به جای آنکه 10 پوزیشن بگیرید ، 2 یا 3 مورد را که احتمال سود دهی بیشتری دارند انتخاب نمایید .

با این کار سود شما به میزان قبلی نخواهد بود اما مقدار ضرر نیز کاهش خواهد یافت . اگر در تحمل میزان ریسک دچار مشکل شوید ، ممکن است آن قسمت از فکر شما که درگیر این موضوع می گردد باعث ایجاد خطا و کاهش دادن سودهایی که می توانسته حاصل کند نیز بشود .

در نظر گرفتن ریسک های مالی و روانی بسیار مورد نیاز است . این کار در طولانی مدت چه دستاوردهایی خواهد داشت ؟

از سویی به نظر می رسد که اگر نخواهید ریسک کنید ، هرگز سودهای آنچنانی نیز نخواهید کرد . شما می بینید که معامله گران حرفه ای اقدام به معاملات بزرگ می کنند و این موضوع باعث ایجاد نگرانی در آنها نمی گردد . در این خصوص هرکس باید هدف خود را مشخص نماید .

تا زمانی که دلگرم شوید که می توانید در بازار کسب سود کنید ، بهتر است اقدام به بالا بردن مهارت خود کرده و قبل از کسب مهارت کافی اقدام به ریسک های بزرگ نکنید .

معامله گران حرفه ای دارای مهارت هایی شکل یافته و اعتماد بنفسی پولادین می باشند . آنها اگر ضررهای بزرگی کنند ، می دانند که در نهایت توانایی جبران آنرا دارند .

از سویی دیگر می دانید که اگر هنوز به عنوان یک "معامله گر" به خود مطمئن نیستید ، جبران سرمایه های از دست رفته غیر ممکن است .

مهم نیست که چه میزان در حذف این احتمال تلاش می کنید ، اما در عمق فکر خود می دانید که این یک تهدید جدی بوده و ممکن است شکار آن شوید .

اهمیت مدیریت ریسک را دست کم نگیرید .

فواید مالی و روانی بسیاری در محدود نمودن ریسک وجود دارد . یکی از واقعیت های دشوار در معامله آنست که استراتژی کامل هرگز وجود خارجی ندارد . حتی قابل اطمینان ترین استراتژی ها نیز گاهی منجر به ضرر می شوند .

شرایط بازار مرتباً تغییر می نماید و به تبع آن استراتژی شما نیز باید با آن هماهنگ گردد . اما نکته ی مهم اینجاست که مشخص نیست چه زمانی شرایط با سیستم شما هماهنگ و چه زمانی در حال تغییر است .

بهترین ابزار دفاعی شما برای مقابله با تغییرات بازار، محدود نمودن میزان ریسک است . با محدود نمودن ریسک خواهید توانست در بازار باقی مانده و مراحل تکامل و آموزش را طی کنید تا در نهایت در زمره ی معامله گرانی قرار گیرید که سودهای کلان از بازار دریافت می کنند .

SamanFX